



قم؛ خاستگاه نظریه‌های کلان با رویکرد اسلامی

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله علیرضا اعرافی در بخش علمی چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی که ۷ شهریور در سالن همایش پژوهشگاه مطالعات تقریبی قم برگزار شد، به پیشینه تاریخی و علمی شهر مقدس قم اشاره کرد و با بیان اینکه قم در سده اخیر به کانون نظریه‌های کلان در عرصه‌های مختلف تبدیل شده است، اظهار کرد: این شهر و حوزه علمیه قم در مسائل اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی، بستری برای شکل‌گیری و رشد نظریه‌هایی بوده‌اند که با تکیه بر منطق و مبانی اسلامی، به مسائل مهم و اساسی جامعه و جهان پاسخ داده‌اند.

عضو فقهای شورای نگهبان تصریح کرد: آنچه در این دوره تاریخی اهمیت ویژه‌ای دارد، پیوند میان دانش، اندیشه و عمل است؛ به این معنا که حوزه علمیه قم صرفاً به تولید مباحث نظری و علمی اکتفا نکرد؛ بلکه بخشی از مهم‌ترین اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی و تمدنی از همین بستر علمی و فکری شکل گرفت و در عرصه عمل نیز نمود پیدا کرد.

امام خمینی : منشأ نظریه‌پردازی‌های نوین

آیت‌الله اعرافی در ادامه، با اشاره به نقش امام خمینی : در شکل‌گیری جریان‌های جدید فکری و سیاسی گفت:

امام خمینی : در کنار برخورداری از جایگاه برجسته علمی و فقهی، در عرصه نظریه‌پردازی نیز گام‌های بزرگی برداشت و توانست مجموعه‌ای از اندیشه‌های نو را در پاسخ به نیازهای جامعه اسلامی مطرح کند؛ اندیشه‌هایی که آثار و پیامدهای آن، فراتر از مرزهای ایران، در تحولات جهان اسلام و عرصه بین‌المللی نیز بازتاب یافت.

نقش اندیشه‌ورزان حوزه در شکل‌گیری جریان نظریه‌سازی

عضو فقهای شورای نگهبان، با اشاره به نقش شخصیت‌های علمی و فکری حوزه علمیه در این روند اظهار کرد: در این مسیر، جمع بزرگی از اندیشه‌ورزان و عالمان حوزه در فرایند خردورزی، اندیشه‌ورزی و نظریه‌سازی نقش‌آفرینی کردند.

عضو شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، از آیات عظام حائری و بروجردی؟فهما، علامه طباطبایی، شهید مطهری و شهید بهشتی : به‌عنوان شماری از چهره‌های برجسته این جریان یاد کرد و گفت: این مجموعه از اندیشمندان، در کنار فعالیت‌های علمی و حوزوی، به مسائل اساسی جامعه و جهان اسلام توجه داشتند و تلاش کردند، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و معرفتی حوزه، به نیازهای جدید پاسخ دهند و افق‌های تازه‌ای را در اندیشه اسلامی بگشایند.

جایگاه ممتاز امام خمینی و رهبر شهید :

در جریان نظریه‌پردازی اسلامی

وی در ادامه با تأکید بر جایگاه ویژه امام خمینی و رهبر شهید انقلاب اسلامی در جریان نظریه‌پردازی اسلامی گفت: در میان این مجموعه بزرگ از اندیشه‌ورزان، جایگاه امام‌راحل و همچنین جایگاه رهبر و قائد و امام شهید ما :، جایگاهی بی‌بدیل و ممتاز است.

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه افزود: این دو امام بزرگوار، هم در عرصه نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی گام‌های بزرگ و اثرگذاری برداشتند و هم در میدان عمل، در معماری و سامان‌دهی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، پرچمدار و پیشگام بودند. ویژگی مهم این دو شخصیت آن است که اندیشه و عمل را از یکدیگر جدا نکردند؛ بلکه در کنار تولید و تبیین نظریه، برای تحقق عملی آن در جامعه نیز تلاش کردند و توانستند، در عرصه‌های مختلف، منشأ تحولات مهم و اثرگذار باشند.

پیوند علم، نظریه و عمل؛ و ویژگی برجسته مکتب قم

آیت‌الله اعرافی قم و حوزه علمیه آن را یکی از مهم‌ترین کانون‌های شکل‌گیری و تداوم اندیشه اسلامی در سده اخیر دانست و گفت: تجربه قم در این دوره نشان می‌دهد که علم و اندیشه، هنگامی که با نیازهای جامعه و مسائل امت اسلامی پیوند بخورد، می‌تواند به شکل‌گیری نظریه‌های کلان و در نهایت به تحولات بزرگ اجتماعی، سیاسی و جهانی منجر شود.

وی خاطرنشان کرد: میراث علمی و فکری قم در طول قرن‌ها به‌ویژه در سده اخیر، زمینه‌ساز ظهور عالمان و اندیشه‌ورزانی شده است که نه‌تنها در حوزه دانش و معرفت اسلامی، بلکه در عرصه هدایت اجتماعی و تحولات سیاسی و بین‌المللی نیز نقش‌آفرینی کرده‌اند.

شهید امام خامنه‌ای : با تولید قدرت

نظریه‌پردازی و راهبری میدانی را به هم پیوند زد

عضو فقهای شورای نگهبان، با اشاره به ویژگی‌های برجسته شهید

پنج عنصر اساسی نظریه وحدت در اندیشه انقلاب اسلامی

آیت‌الله اعرافی تصریح کرد: از منظر گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه امام راحل و امام شهید :

وحدت اسلامی به‌معنای نفی هویت‌های مذهبی و یکسان‌سازی اعتقادات و احکام مذاهب نیست؛ بلکه باید بر مبنایی تعریف شود که ضمن حفظ اصول و هویت‌های مذهبی، زمینه همکاری، همدلی و هم‌افزایی امت اسلامی را فراهم کند.

وحدت اسلامی نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که با مبانی اعتقادی، فقهی و هویتی مذاهب اسلامی تعارض پیدا کند.

نظریه نخست؛ ادغام و یکسان‌سازی مذاهب

آیت‌الله اعرافی نخستین نظریه نادرست در زمینه وحدت اسلامی را «ترکیب، ادغام و یک‌دست‌سازی مذاهب» عنوان کرد و گفت: این فرضیه، از اساس فرضیه‌ای اولیه و بسیار ضعیف است؛ چراکه مستلزم جمع میان امور متضاد و حتی متناقض است. مذاهب اسلامی در حوزه‌های مختلفی همچون کلام، عقاید، اخلاق و فقه، دارای دیدگاه‌ها و مبانی متفاوتی هستند که در مواردی قابل جمع و یکسان‌سازی نیستند؛ بنابراین، تلاش برای ترکیب یا ادغام این مذاهب و رسیدن به یک مذهب واحد، با واقعیت موجود در اندیشه و میراث علمی مذاهب اسلامی سازگار نیست.

مدیر حوزه‌های علمیه ادامه داد: هریک از مذاهب اسلامی دارای پیشینه علمی، مبانی فکری، اصول و دیدگاه‌های خاص خود هستند و نمی‌توان با حذف تفاوت‌های واقعی و موجود، مفهوم وحدت اسلامی را به‌معنای یکسان‌سازی کامل مذاهب تفسیر کرد. عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه خاطرنشان کرد: افزودن بر مسئله تفاوت‌های اعتقادی و فقهی، چنین رویکردی با اشکالات نظری و عملی متعددی مواجه است؛ زیرا برای ایجاد یک ساختار واحد از مذاهب مختلف، ناگزیر باید بخش‌هایی از مبانی و آموزه‌های هر مذهب را کنار گذاشته یا در یکدیگر ادغام کرد که نتیجه آن، نه تقرب واقعی، بلکه تغییر ماهیت مذاهب خواهد بود.

مدیر حوزه‌های علمیه در ادامه تأکید کرد: از منظر گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه امام راحل و امام شهید، وحدت اسلامی به‌معنای نفی هویت‌های مذهبی و یکسان‌سازی اعتقادات و احکام مذاهب نیست؛ بلکه باید بر مبنایی تعریف شود که ضمن حفظ اصول و هویت‌های مذهبی، زمینه همکاری، همدلی و هم‌افزایی امت اسلامی را فراهم کند؛ بنابراین، نظریه ترکیب و ادغام مذاهب، به‌دلیل نادیده‌گرفتن تفاوت‌های واقعی و بنیادین میان مذاهب اسلامی و نیز به‌سبب اشکالات نظری ناشی از تلاش برای جمع میان امور متضاد، نمی‌تواند مبنای صحیحی برای تحقق تقرب و وحدت اسلامی باشد.

وی در ادامه نظریه نادرست دوم را «حذف ممیزات و مغفقات و بسنده‌کردن به مشترکات» یا ایده «اسلام بدون مذاهب» دانست و اظهار کرد: در این دیدگاه تلاش می‌شود، با کنارگذاشتن تفاوت‌ها و ویژگی‌های متمایزکننده مذاهب، تنها بر نقاط مشترک میان مسلمانان تمرکز شود.

نمی‌توان ممیزات مذاهب را نادیده گرفت

آیت‌الله اعرافی با نقد این نظریه گفت: این دیدگاه نیز به‌نوعی مستلزم ارتفاع نقیضین است؛ چراکه نمی‌توان تفاوت‌ها و ممیزات موجود میان دیدگاه‌های مختلف را به‌سادگی کنار گذاشت. در بسیاری از مسائل، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی وجود دارد و نمی‌توان همزمان هر دو دیدگاه را پذیرفت یا اساساً صورت مسئله را با حذف تفاوت‌ها از میان برداشت. شما نمی‌توانید ممیزات را کنار بگذارید؛ زیرا در نهایت باید میان دو دیدگاه و دو گزاره متفاوت، یکی را انتخاب کرد. وجود اختلاف‌نظر در برخی مسائل، واقعیتی است که با صرف تأکید بر مشترکات نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

عضو فقهای شورای نگهبان، همچنین با اشاره به جایگاه استدلال و برهان در مباحث اعتقادی و علمی تصریح کرد: استدلال و برهان را نمی‌توان از طرف مقابل گرفت. اگر در یک مسئله میان دو دیدگاه



تفاوت وجود دارد، باید امکان طرح استدلال و بررسی ادله هر دو طرف به رسمیت شناخته شود و نمی‌توان با حذف تفاوت‌ها، زمینه گفت‌وگوی علمی و اعتقادی را از میان برد.

کنارگذاشتن اختلافات، خود می‌تواند

به شکل‌گیری جریان جدید منجر شود

عضو شورای عالی حوزه در ادامه، به اشکال مشترک دو نظریه نخست اشاره کرد و گفت: یکی از اشکالات مشترک این دو نظریه آن است که همین دیدگاه نیز می‌تواند در عالم اسلام به یک فرقه یا جریان جدید تبدیل شود.

وی توضیح داد: اگر فرد یا جریانی با ارائه یک نظریه جدید بخواهد اختلافات موجود را کنار بگذارد و همه مسلمانان را حول آن دیدگاه جمع کند، خود این دیدگاه می‌تواند به یک جریان مستقل تبدیل شود و درنتیجه، مسئله اختلاف و چنددستگی همچنان باقی بماند؛ بنابراین، صرف ارائه یک نظریه جدید برای عبور از اختلافات مذهبی، لزوماً به وحدت منتهی نمی‌شود؛ چراکه ممکن است همان نظریه جدید، خود منشأ شکل‌گیری یک جریان یا قرائت تازه در جهان اسلام شود.

رد نظریه «پلورالیسم معرفتی و حقانیت همه مذاهب»

آیت‌الله اعرافی در ادامه به نظریه سوم پرداخت و آن را «پلورالیسم معرفتی و حقانیت همه مذاهب» عنوان کرد. ما مطمئناً در برابر این نظریه قائل هستیم که چنین دیدگاهی صحت ندارد؛ زیرا نمی‌توان حقانیت‌های متعدد و متعارض را در اموری که با یکدیگر تناقض دارند، به‌صورت همزمان پذیرفت.

وی ادامه داد: اگر دو گزاره یا دو دیدگاه در یک موضوع مشخص، متناقض و نقیض یکدیگر باشند، نمی‌توان به‌صورت مطلق قائل شد که هر دو در یک سطح از حقانیت قرار دارند. پذیرش همزمان حقانیت امور متناقض، با اصول منطقی و مبانی معرفت‌شناختی سازگار نیست.

تأکید بر واقعیت نفس‌الامری و امکان صدق و کذب

مدیر حوزه‌های علمیه، با تبیین مبنای معرفت‌شناختی مورد قبول خود گفت: ما قائل به وجود «نفس‌الامر واقعی» و استحاله اجتماع و ارتفاع نقیضین هستیم و بر این اساس، صدق و کذب واقعی و انطباق گزاره‌ها با نفس‌الامر را می‌پذیریم.

وی افزود: بر مبنای این نگاه، حقیقت امری نیست که صرفاً به برداشت‌ها، قرائت‌ها یا تلقی‌های مختلف افراد وابسته باشد؛ بلکه برای گزاره‌ها و شناخت‌های بشری، واقعیتی در نفس‌الامر وجود دارد که می‌توان، نسبت آن گزاره با واقع را مورد ارزیابی قرار داد و از صدق یا کذب آن سخن گفت.

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه تأکید کرد: نظریه پلورالیسم معرفتی، با مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی ما در تعارض است؛ بنابراین نمی‌توان از منظر این مبانی، حقانیت مطلق و همزمان همه مذاهب را پذیرفت؛ به‌ویژه در مواردی که گزاره‌ها و مبانی آنها با یکدیگر در تعارض قرار دارند.

«پلورالیسم نجات»؛ پذیرش مشروط معذوریت

آیت‌الله اعرافی در ادامه به نظریه چهارم، یعنی پلورالیسم نجات اشاره کرد و آن را از سه نظریه پیشین متمایز دانست. این نظریه برخلاف سه نظریه قبلی، فی‌الجمله مورد قبول ماست؛ اما نه به‌شکل مطلق. اگر فردی با وجود فراهم‌بودن شرایط معذوریت، در مسیری قرار گرفته باشد، ممکن است معذور باشد. این اصل، فی‌الجمله قابل قبول است؛ اما نمی‌توان آن را به‌صورت مطلق و بدون هیچ قید و شرطی پذیرفت.

عضو فقهای شورای نگهبان تأکید کرد: اینکه گفته شود هر فردی، صرف‌نظر از شرایط و مبانی و بدون توجه به وضعیت معرفتی و امکان دسترسی او به حقیقت، به‌طور مطلق مشمول نجات یا معذوریت است، قابل پذیرش نیست. این مسئله نیازمند توجه به مجموعه‌ای از قیود و شرایط است.

معذوریت نیازمند احراز شرایط و قیود است

وی در جمع‌بندی این بخش اظهار کرد: اصل این جمله که «اگر کسی با شرایط معذوریت در مسیری قرار گرفت، ممکن است معذور باشد»، درست است؛ اما اگر گفته شود، این حکم به‌صورت مطلق درباره همه افراد و در همه شرایط صدق می‌کند، صحیح نیست.

آیت‌الله اعرافی خاطرنشان کرد: بنابراین، در بحث پلورالیسم نجات باید میان حقانیت یک دیدگاه و معذوریودن فرد در پیروی از یک دیدگاه تفکیک کرد. ممکن است در مواردی، فرد به‌دلیل شرایط خاص معرفتی و عدم دسترسی به حقیقت یا وجود موانع خاص، معذور شناخته شود؛ اما این امر به‌معنای پذیرش حقانیت همزمان و مطلق همه دیدگاه‌ها و مذاهب نیست؛ از این رو، بحث نجات و معذوریت باید با دقت و بر اساس قیود و شرایط مربوط به آن بررسی شود و نمی‌توان از یک اصل مشروط، حکمی مطلق و بدون قید استخراج کرد.

مشترکات عمیق هویت‌ساز، حفظ ممیزات علمی و فقه روابط اجتماعی؛ از ارکان نظریه وحدت امت اسلامی

آیت‌الله اعرافی با تشریح «نظریه پنجم» در مسئله وحدت امت اسلامی، آن را نظریه انقلاب اسلامی و امام شهید : دانست و گفت: این نظریه بر پنج عنصر اساسی استوار است که در کنار یکدیگر می‌توانند زمینه شکل‌گیری هویت واحد فکری، اجتماعی و سیاسی در میان مسلمانان را فراهم کنند. وی اظهار کرد: نخستین عنصر این نظریه، وجود مشترکات کثیر، عمیق و هویت‌ساز میان مسلمانان است؛ به این معنا که امت اسلامی از ظرفیت گسترده‌ای از باورها، اصول، ارزش‌ها و عناصر مشترک برخوردار است که می‌تواند مبنای شکل‌گیری یک هویت واحد فکری، اجتماعی و سیاسی قرار گیرد.